



درگذشت یک روزنامه نگار

محمدعلی عرفی نژاد، روزنامه‌نگار حوزه مطبوعات سینمایی و صنعتی چشم از جهان فرو بست. ایسنا ضمن اعلام این خبر نوشت، محمدعلی عرفی نژاد سال‌ها در عرصه رسانه، همچنین روزنامه صمت فعالیت داشته است. زنده‌یاد عرفی نژاد همچنین نویسنده کتاب «سلطان صاحبقران» (۱۳۷۸) شامل داستان‌های مستند تاریخی از رویدادهای دوران سلطنت ناصرالدین شاه قاجار و تاریخ ایران در آن عصر بوده است. «فرمانروای بخارا» از دیگر تألیفات این نویسنده و روزنامه‌نگار در سال ۱۳۷۸ بود. عرفی نژاد چند سال در واحد نمایش تلویزیون در کنار داوود رشیدی بود. این کارگردان، نویسنده، تدوینگر و برنامه‌ریز فیلم و سریال سال‌ها دستیار ثابت کیانوش عیاری هم بود. آن طور که عباس یاری در صفحه اینستاگرام خود نوشته است او چند روز پیش در ایستگاه مترو با تنه خوردن از طرف مسافری که برای رسیدن به ترن عجله داشته، از پله‌ها سقوط کرده و بعد از چند روز در بیمارستان درگذشته است.



دل نگرانی اهالی فرهنگ درباره مسائل قومیتی

بیش از ۸۰۰ نفر از متخصصان، هنرمندان و کارشناسان رشته‌های گوناگون دانشگاهی، فرهنگی و هنری کشور در بیانیه‌ای تحلیلی درباره وقایع مرتبط با نوروز امسال، ضمن محکوم کردن سیاست‌های فرهنگی مرتبط با وقایع نوروز امسال در آذربایجان غربی و کردستان و نیز مواضع استنادار آذربایجان شرقی، و برشمردن پیامدهای این سیاست‌ها و اقدامات برای ملت ایران، رویکرد دولت را در این زمینه تهدیدی برای انسجام و امنیت ملی و تقویت و اگرایی‌های محلی دانستند. در این بیانیه اسامی چهره‌هایی چون ژاله آموزگار، کیخسرو پورناظری، علی اشرف صادقی، علی اصغر دادبه، حسن انوری، موسی غنی‌نژاد، کاوه بیات، نصرالله پورجوادی، داریوش پیرنیساکان، مرضیه برومند، علی مصفا، رخشان بنی‌اعتماد، محمدرضا ضیایی بیگدلی، محمد جعفری قنوتی و... به چشم می‌آید. در بخشی از این بیانیه آمده: «ورود غیرکارشناسی بخش‌هایی از حاکمیت از جمله قوه مجریه به «مباحث قومی» به جای تمرکز و توجه به ابرچالش‌های پیش‌روی کشور و ملت ایران، خود زمینه‌ساز چالش‌های بزرگ‌تری شده است.»



بلاتکلیفی ساختمان مجاور سنگلج

داود فتحعلی بیگی، استاد پیشکسوت نمایش‌های ایرانی بر ایجادمکانی مشخص و تخصصی برای برداختن به نمایش‌های آیینی تأکید کرد و گفت: «اماکنی چون شهرداری یا سازمان فرهنگی-هنری باید در این زمینه احساس مسئولیت کنند و کارهایی انجام دهند اما متأسفانه تا امروز این طور نبوده است.» او در ادامه از بلاتکلیفی ساختمان جنب تماشاخانه سنگلج انتقاد کرد. این‌ا ضمن اعلام این خبر نوشت، فتحعلی بیگی در مورد این ساختمان گفت: «حتی بعضی از اسناد وجود دارد مبنی بر این که آن زمین قبل از انقلاب توسط اداره فرهنگ و هنر خریداری شده بوده اما با این وجود و در کمال تأسف، شهرداری محترم آمد ساختمان را کوبید. به این واسطه ساختمان تالار سنگلج هم به خطر افتاد و به دلیل مجاورتی، هر آن، امکان ریزش وجود دارد.» او در ادامه گفت: «واقعاً امید داشتیم در وزارتخانه فعلی با وجود انتصاب‌های جدید، اتفاق مثبتی رخ دهد که متأسفانه تاکنون این طور نبوده است.»



عکس: رکتا

این زندگی معمولی نیست

نگاهی به **سریال پایتخت** که در فصل هفتم به نیمه رسیده، اما انتظارات را برآورده نکرده است

برای افراد این خانواده می‌افتاد؛ اتفاقاتی که تلخ و شیرین مخاطب را در یک تبوتاب همیشگی نگه می‌داشت و مدام بیننده خواستار این بود که بداند نتیجه هر کدام از این اتفاق‌ها و گره‌ها چه خواهد شد. اما روند نزولی بروز اتفاقات جذاب که از فصل ششم شروع شده بود، به شدت گریبان فصل هفتم را هم گرفته. در حدی که با گذشت ۱۳ قسمت از این سریال، تنها سه یا چهار اتفاق درگیرکننده در روند قصه وجود داشته. شهاب‌سنگی که به صورت اتفاقی به سقف خانه نقی معمولی برخورد می‌کند، خوی میمونی که بهشتا فریبا دچار آن شده و ازدواج دوقلوهای خانواده. موضوعاتی که دوتای آن بیشتر از آن که راوی یک زندگی معمولی باشد، فانتزی را وارد سریال کرده. فانتزی‌ای که بیشتر از همه معمولی بودن این آدم‌ها را به چالش می‌کشد. اما به هر حال این اتفاقات فانتزی، تنها بخشی از سکانس‌های سریال را تشکیل می‌دهند. در کنار آن خرده‌روایت‌های بدون کشش، پایتخت را به یک سریال خانوادگی، شبیه بسیاری از سریال‌های خانوادگی تلویزیون تبدیل کرده. مجموعه‌ای که سکانس‌های طولانی و کند با دیالوگ‌های خسته‌کننده را جایگزین سکانس‌های با ریتم تند کرده.

تفاوت دیگر به اصل سفر کردن در قصه‌های مجموعه «پایتخت» برمی‌گردد؛ موضوعی که به نوعی برای این سریال امضاء محسوب می‌شود. در تبلیغات و فیلم‌هایی که از پشت صحنه این سریال منتشر شده، انگار قرار است بخش‌های پایانی سریال در مشهد بگذرد. اما فعلاً که با گذشت نیمه از سریال، همه چیز در چهار دیواری خانه‌ها و خیابان‌های علی‌آباد در جریان است. شاید باید امید داشت که در قسمت‌های پیش‌رو اتفاقات تازه‌ای، کمی «پایتخت» را از این سکون خارج کند. اما به هر حال وقتی سریال تقریباً از نیمه گذشته است و با یک دست‌فرمان پیش رفته، نمی‌توان توقع داشت جز اتفاقات کوچک زودگذر، شاید‌های پیش‌بیاید که در مخاطب هیجان گذشته «پایتخت» را تداعی کند.

شری، بهروز، ارشاد و دیگران

مبنای اصلی قصه «پایتخت» براساس چهار شخصیت اصلی نقی، ارسطو، بابانجلی و هما شکل گرفت و به مرور زمان شخصیت‌های جدیدی به قصه اضافه شد که هر کدام به صورت کوتاه وارد داستان شدند و اگر مورد توجه قرار

سادگی افراد خانواده، «پایتخت» را تبدیل به یک اتفاق ویژه در تلویزیون کرده بود. فصل دوم «پایتخت» دو سال بعد از فصل اول دوباره در نوروز روی آنتن رفت. این بار هم قصه در خلال سفر خانواده معمولی اتفاق می‌افتاد. در حالی که از مازندران قرار بود به قشم بروند و این سفر طولانی اتفاقات بیشتری را سر راهشان قرار می‌داد. در فصل سوم هم سفر و اتفاقات که در یک جابه‌جایی خانوادگی و قرار گرفتن در محیط‌های مختلف برای این خانواده پیش می‌آمد، درون‌مایه اصلی قصه بود. اما از فصل چهارم روند تغییر پیدا کرد و سریال «پایتخت» در یک تحول بزرگ به یک مجموعه تقریباً آپارتمانی تبدیل شد که بیشتر اتفاقاتش در محیط خانه و همان شهر کوچک واقع می‌شود. افت فصل چهارم، باعث شد که در فصل پنجم نویسندگان قصه را با یک سفر خارج از کشور و با داستان‌های با هیجان بیشتری همراه کنند. این روند تا جایی پیش رفت که حتی خانواده معمولی به جدال با نیروهای داعش رسیدند. اما فصل ششم دوباره همه چیز به داخل خانه و شهر برگشت و اتفاقات کمتر بود. این فصل به دلیل مصادف شدن با کرونا، از نیمه متوقف شد و دو قسمت آخر آن با یک‌سال تأخیر روی آنتن رفت.

از نوروز ۱۴۰۰ تا پاییز سال ۱۴۰۳، بارها شایعات و بحث‌هایی درباره تولید و ساخت فصل جدید «پایتخت» به گوش می‌رسید. از قهر و آشتی‌های محسن تنابنده به عنوان رکن اصلی این مجموعه تا ماجراهایی که سر جدایی برخی بازیگران مانند مه‌رمان احمدی و دوقلوهای سارا و نیکا فرقانی پیش آمد. تا این که بالاخره عوامل سریال خود اعلام کردند که «پایتخت ۷» کلید خورده و برای پخش در نوروز ۱۴۰۴ آماده خواهد شد. از مخاطب عام تا منتقدان همه منتظر رونمایی از این سریال بودند، گمانه‌زنی‌هایی درباره قصه و سرنوشت شخصیت‌ها شکل گرفت تا این که در چهارم فروردین ماه ۱۴۰۴ «پایتخت ۷» روی آنتن رفت و حالا ۱۳ قسمت از آن گذشته است.

فصل هفتم در زمینه فیلمنامه و پیشبرد داستان چند تفاوت با دیگر فصل‌ها دارد که بیشتر آن را در معرض نقد قرار می‌دهد. تفاوت اصلی میان قصه و فیلمنامه فصل آخر با دیگر فصول این مجموعه، به درون‌مایه اصلی «پایتخت» برمی‌گردد که آن را از فصل اول جذاب کرده بود. این درون‌مایه اتفاقاتی بود که تقریباً هر چندسکانس یک‌بار

شاید باید امید داشت که در قسمت‌های پیش‌رو اتفاقات تازه‌ای، کمی «پایتخت» را از این سکون خارج کند. اما به هر حال وقتی سریال تقریباً از نیمه گذشته است و با یک دست‌فرمان پیش رفته، نمی‌توان توقع داشت جز اتفاقات کوچک زودگذر، حادثه‌ای پیش بیاید که در مخاطب هیجان گذشته «پایتخت» را تداعی کند

سوسن سیرجانی

خبرنگار فرهنگ



این روزها چه اهل تلویزیون نگاه کردن باشی چه نه، در هر محفل و جمع، همچنین شبکه‌های اجتماعی صحبت درباره فصل هفتم سریال «پایتخت» در جریان است. یکی از دلایل اصلی این اتفاق، به نوستالژی جمعی است که این مجموعه برای مردم ایران ایجاد کرده؛ سریالی که ۱۴ سال پیش کار ساخت فصل اول آن شروع شد و در نوروز ۱۳۹۰ روی آنتن شبکه یک رفت. این سریال از همان قسمت‌های ابتدایی مورد توجه مخاطب عام و منتقدان قرار گرفت و پس از مدتی به یکی از مجموعه‌های پر بیننده تلویزیون تبدیل شد. این اقبال باعث شد که هم مخاطب، هم سازندگان اصرار داشته باشند که فصل‌های بعدی این مجموعه هم ساخته شود. اما مانند هر دیده فرهنگی دیگری مجموعه سریال «پایتخت» پس از کرونا و در سال‌های اخیر دچار تحولاتی شد؛ تحولاتی که به صورت محسوس بر کیفیت این سریال اثر گذاشت. نوروز امسال بعد از پنج سال، فصل هفتم این مجموعه روی آنتن رفت. به دلیل پیشینه‌ای که از این سریال در ذهن مخاطب بود، انتظارات هم از آن بالاتر رفته. در این مدت نقدهای مختلفی درباره آن نوشته شده و طرفداران و مخالفان زیادی پیدا کرده. حالا با گذشت نیمه از آن، می‌توان ابعاد مختلف آن را مورد بررسی قرار داد.

سفری بی‌هیجان به علی‌آباد

طراح مجموعه «پایتخت» محسن تنابنده است. کسی که در تمام این سال‌ها سرپرستی نویسندگان این مجموعه را هم برعهده داشته. قصه اولیه این سریال براساس داستان زندگی یک خانواده معمولی با نام فامیلی «معمولی» از طبقه پایین جامعه که در یکی از شهرستان‌های کوچک استان مازندران زندگی می‌کردند، شکل گرفت. فصل اول «پایتخت»، قصه سرگردانی خانواده معمولی در سفر به تهران بود. قصه‌ای که نشان می‌داد اگر کسی در پایتخت جایی برای ماندن نداشته باشد، با چه چالش‌هایی روبه‌روست. این چالش‌ها در عین این که دراماتیک بود، دوز کم‌دی قابل قبولی داشت و در کنار